

بسم الله الرحمن الرحيم اللم صل على محمد وآل محمد

سوره مبارکه انبياء (جله پنجم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۴/۵/۷

برای سلامتی خودتان، خانواده‌تان و خوبان عالم و مقربین صلواتی عنایت فرمائید.

برای این که ان شاء الله در جلسه ملائک، اهل بیت علیهم السلام و مقربین را دعوت کنیم و از نورانیت حضور اهل بیت علیهم السلام و ملائکه حض و بهره کافی را داشته باشیم صلوات دیگری عنایت فرمائید.

بحث آیات ابتدایی این سوره در مورد ذکر بود و مطالبی مطرح شد.

یکی از نکات مهم در آیات ابتدایی این سوره در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت رسی که قبل از خودشان آمده‌اند را ذکر می‌کند؛ علت بیان جریان مبعوث شدن رسل قبل این است که این قانون همیشه جاری است و درست است که پیامبری برای ما نیامده اما می‌تواند فعل ما فعل همان کسانی باشد که در مقابل رسل ایستادگی می‌کردند!

این آیات در مقام فعل انسان است یعنی لازم نیست یک پیامبری بیاید و جلوی شماست. مقام فعل این است که اگر در آن شرایط با آن نظام، شما حضور داشتین و آن اتفاق برایتان می‌افتاد، با انبیاء مقابله می‌کردید؛ طرف دیگر این است که الان شعار می‌دهیم که ما اهل کوفه نیستیم اما نشانه این اهلیت نبودن را این آیات بیان می‌کند و هر کس این صفات را نداشته باشد لاجرم مقابل انبیاء نیست.

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۳)

انسان ممکن است در ملکوت اعلی که صفحات نامه اعمال را ورق می‌زند آیه ۳ خود نمای کند.

بحث در مورد مقام فعل :

مقام فعل: انسان ممکن است کارهایی را انجام نداده باشد و در عملش بروز نداده باشد اما در لایه‌های درونی‌اش آن صفت وجود داشته باشد اما موقعی که آن حادثه اتفاق بیفتد نوعاً رفتار مشابهی با آن فرد انجام می‌دهد.

مقام فعل: منطقه‌ای که در درون فرد است اما هنوز به واسطه حوادث بروز پیدا نکرده است.

خداوند به مقام فعل انسان‌ها، هم پاداش می‌دهد و هم توبیخ می‌کند.

اگر مقام فعل وجود نداشته باشد این آیات خیلی بروز ندارند.

ما نوعاً اعمالمان را محاسبه می‌کنیم ولی فعل‌هایمان را حساب نمی‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم ما دیگر غیبت نمی‌کنیم اما شرایطش فراهم می‌شود و غیبت می‌کنیم زیرا از عملش اظهار برائت کرده‌ایم نه از فعلش، یعنی فعال شده در غیبت مثل این که ضامن را کشیده‌ای آماده شلیک است.

ایمان علمی است که به فعلیت رسیده است و پذیرش علم را ایمان می‌گویند که ابتدای فعل ایمان است.

مقام فعلی مقامی است که قبل از عمل است.

میزان رغبت به یک کاری درجه فعل را تعیین می‌کند.

مقام توانایی را مقام فعل می‌گویند لذا توان را فعل می‌نامیم.

صفت تقوا در انسان صفت فعل انسان است. بالاترین صفت از نظر صفات فعلی است زیرا مدیریت فعل‌ها را انجام می‌دهد.

انسان باید در فعل خود طیب بشود نه این که خبیث بشود.

انسان برای دوری از آسیب‌ها باید مضرات آسیب‌ها را بداند. ما باید در مقام فعل برائت از بدی داشته باشیم.

یکی از راه‌های اصلاح فعل قرار گرفتن در معرض اعمال شایسته و دوری گزیدن از اعمال ناشایست است.

گاهی لحن بد داشتن، فعل یک آدم است حتی قیافه‌اش می‌شود، نباید به اینجا کشیده شود و این در صورتی اتفاق می‌افتد که تکرار عمل صورت گیرد.

هر فعلی درجه عمل را مشخص می‌کند.

سه مولفه اصلی فعل که از لحاظ جنس با هم متفاوت هستند عبارت است از:

- بخشی که انسان را از علم به اراده نزدیک می کند.
 - بخشی هم که انسان را از اراده به عمل نزدیک می کند.
 - و بخش دیگر که مسیر راه را تداوم می بخشد، باعث استمرار در مسیر می شود؛ صبر.
- اگر صبر را برداری هیچ فعلی در انسان تحقق پیدا نمی کند. مثلاً استمرار گناه را از یک فرد بگیری کارش به عفل خواهد انجامید.
- هرچه که علم انسان تقویت پیدا کند و تفصیلی تر شود از گناه دورتر می شود و به سمت اراده نزدیک می گردد.
- یکی از مهمترین راهکارهای فعال شدن فعل در موارد مثبت، علم است و یکی از مهم ترین آسیب ها برای انسان جهل و علم اجمالی است.
- خیلی از اوقات علم اجمالی منجر به یاس و توهم می شود.
- ما نسبت به هر موضوعی که در زندگی به عنوان خوبی می شناسیم باید نسبت به آن علم تفصیلی پیدا کنیم.
- لذا انسان برای پیدا کردن قدرت باید علم بدست آورد زیرا قدرت محصول علم است.
- فعل در حوزه اعمال اختیاری است.
- و انسان را با فعل و عملش می سنجند.
- یک نکته که در کتاب های حضرت امام رحمه الله مرتب تکرار شده است این است که : لطفاً مقام کرامت اولیاء الهی را اگر نمی فهمید انکار نکنید علتش این است که انسان وقتی در مقام فعل چیزی را درک نمی کند انکارش می کند.
- نوعاً آدم وقتی خودش اهل ذکر نیست، کارهای اهل ذکر برایش عجیب می شود.
- ذکر برای خودش یک مناسک و مراسمی دارد لکن ممکن است یک نفر ذاکر از نظر شما رفتارش غیرعادی باشد.
- ما نباید یک کاری بکنیم که از ترس همه ذکرهایمان بهم بخورد.
- به طور طبیعی اهل ذکر بودن انسان را دارای سر می کند.
- آن چیزی که در مقام فعل اهمیت دارد دوری از اسراف است. دوری از اسراف، صفت فعل انسان است. اسراف یعنی انسان قوای طبیعی اش را در خارج از موضوع مربوط به آن صرف کند.

اولین فعلی که انسان را به هم می‌ریزد تحقق اسراف در خود است. یعنی این که مثلاً گوش باید تا یک حدی بشنود نه کمتر و نه بیشتر، چشم باید تا یک حدی ببیند و ولی این اتفاق نمی‌افتد، قوای تکوینی.

قوای تکوینی حد دارند و در حدشان باید به تعادل برسند. خارج شدن از حد اعتدال، اسراف است و منجر می‌شود انسان بهم بریزد.

اگر کسی کار خوب را می‌داند و نمی‌کند دلیلش خارج شدن از حد اعتدال است. خارج شدن از حد اعتدال اولین صدمه‌اش ضعیف شدن اراده خود فرد است.

پرخوری = قصی القلب شدن یعنی انعکاس ذکر را ندارد.

تقویت اراده با دوری از اسراف اتفاق می‌افتد.

حد ما از اراده هایمان دورتر است.

اسراف در حوزه قوای تکوینی اتفاق می‌افتد یعنی چیزهایی که در توان شما قرار داده‌اند: تعادل در تخیل، یادگیری.

یکی از کارهایی که رسانه‌ها انجام می‌دهند برهم زدن تعادل اراده هاست تا جنس‌شان فروش برود.

آداب اسلامی حتماً حد دارد، حتماً علم و مکانیزم دارد.

در روایات آمده‌است که اسراف با کنترل بعضی از شهوات، کنترل می‌گردد:

- کنترل شهوت غریزی، که اعتدالش باعث انواع عفت می‌شود لذا این انسان عقیقه می‌شود، این انسان‌ها یک دسته‌ای از افعالشان را مدیریت می‌کنند.

- شهوت بطن، حساس بودن به غذا خوردن. اگر کسی غذایش را کنترل نکند و از مواد غذایی مضر استفاده کند از اعتدال خارج می‌شود یعنی شما ضرورتاً باید یک دستور غذایی خاص طبی داشته باشید. اعتدال در تغذیه و طعام.

- شهوت در کلام، زیاد یا کم حرف زدن. اگر کسی در کلام نتواند خود را کنترل کند اهل ذکر نمی‌شود. اعتدال در کلام به طور قطعی منجر به تقویت تفکر و ذکر است.

اعتدال در این سه شهوت موجب دوری از اسراف و هلاکت می‌گردد.

شهوت، صفت فعل است و به معنای خواستن کپک زده و خواستن معیوب است.

انسان می‌تواند و فعلیتش را دارد که در مواجهه با بلیه آن را تبدیل به حسن کند.

مومن باید بداند هیچ چیزی در این عالم به ضرر او نیست.

انسان می‌تواند و فعلیتش را دارد که در مواجهه با هر بلیه و موقعیت منفی، آن را تبدیل به یک رویش بکند.

خواندن حکمت‌های نهج البلاغه باعث بدست آوردن خیلی از مهارت‌ها می‌شود.

علم هیچ گاه تمام شدنی نیست و همه موجوداتی که اطراف ما هستند بهانه‌ای برای نزول رحمت الهی هستند ولو این که به ظاهر تلخ و ناگوار باشند؛ ما باید دعا کنیم که سیستم‌مان راه بیفتد؛ فعلیت‌مان که خلیفه‌اللهی باشد به این درک می‌رسیم که از همه چیز می‌توان برای رشد استفاده کرد.

هر شخصی که در معرض ابتلاعات قرار می‌گیرد آن را غنیمت بشمرد و از آن استفاده کند تا ان شاء الله فرجش برسد، این بدان معنا نیست که شما دعا نکنید که این مشکل حل نشود! منتها تا مادامی که امکانش وجود دارد از آن موقعیت استفاده کنید فلذا این گونه است که تا انسان شروع کرد به استفاده کردن **سریع برچیده می‌شود** اصلاً قاعده خلقت این است تا مادامی هم که استفاده نکنید این است. به طور کلی دوره‌های ابتلاء در زندگی خیلی نیست خدا تا زمانی این ابتلا را ادامه می‌دهد که صفات انسان تقویت شود و بعداً که به آن طرف رفتید، می‌بینید خیلی از چیزهایی که از آن می‌رنجیدید کلاس درس شما بوده است. کلاس درس‌ها محل ابتلاعات‌تان بوده و محل ابتلاعات‌تان همان کلاس درس بوده است.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات